



تحلیل نماتیک الگوی فرهنگ ورزش در ایران

عباس قشمی میمند^{۱*}، محمد پورکیانی^۲، محمد مهدی رحمتی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

چکیده

هدف: هدف از نگارش این مقاله، تعریف فرهنگ ورزش و ارائه الگویی بومی از مولفه‌های مرتبط با آن طبق تعریف انسان شناختی از فرهنگ، با استفاده از نظریه‌های متخصصان است. **روش‌شناسی:** این مقاله در چارچوب استراتژی تحقیق کیفی و براساس روش تحلیل تماتیک و مصاحبه با ۱۰ نفر از مدیران تربیت بدنی و فرهنگی و ۵ نفر از کارشناسان فرهنگی فدراسیون‌ها به صورت نمونه‌گیری هدفمند، ابتدا بر اساس وجوه مشترک، تم‌های مرتبط، اصلی و در نهایت تم‌های مرکزی هر کدام از مقولات موضوع تحقیق را شناسایی و در نهایت شبکه مضامین مرتبط با چستی فرهنگ ورزش را ترسیم و تحلیل می‌کند. روش اعتبارسنجی پژوهش نیز «روایی تفسیری»، به معنای ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب نظران برای تأیید نهایی آن است.

یافته‌ها: نتایج ترسیم شبکه مضامین چستی فرهنگ ورزش نشان می‌دهد؛ بین دو موضوع فرهنگ ورزشی و ورزش فرهنگی تفاوت وجود دارد، و این دو مضمون فراگیر حول مضامین سازمان دهنده ارزش‌های عام اخلاقی، ارزش‌های ذاتی ورزش، ارزش‌های مادی و جسمی ورزش، ارزش‌های ملی و تاریخی، ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های زندگی مدرن و ناهنجاری‌های فرهنگی ورزش؛ الگوی فرهنگ ورزش در ایران را تعریف می‌کنند.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های تحقیق، فرهنگ ورزش به معنای «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، باورها، آداب و سنن فرهنگی و تاریخی موثر بر رفتار ورزشی و همچنین ارزش‌های خاص منبعث از رشته‌های ورزشی (جنگجویی رشته‌های رزمی، جوانمردی ورزش پهلوانی و...) موثر بر فرهنگ افراد در محیط ورزشی و جامعه» است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ ورزشی، تحلیل تماتیک، ورزش فرهنگ

۱. دانشجوی دکتری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۲. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه

شهید بهشتی، ۳. دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: ghesmi.1987@gmail.com

مقدمه

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی در قرن بیستم و از دهه ۸۰ به بعد در حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی به بررسی ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه پرداخته و به صورت ارتباط متقابل و مؤثر در قالب یک حوزه بین رشته‌ای بین علوم تربیت بدنی و علوم اجتماعی از جنبه‌های مختلف و نو مورد توجه قرار گرفته است. ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، پیوندی آرگانیک با نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد، به این معنا که دست آوردهای ورزش و فعالیتهای مربوط به آن، به طور کلی یک شاخص فرهنگ عمومی محسوب می‌شوند (عباسی بختیاری، ۱۳۹۰).

صحت از اصطلاح «فرهنگ ورزش» به معنای دعوت به پرس و جو و پرسش و پاسخ از بسیاری دلایل علاقه و شیفتگی ما به ورزش و همچنین فهم و بررسی و تجزیه تحلیل اینکه چرا و چگونه ما به ورزش و محصولات آن می‌سازیم؛ اهمیت می‌دهیم. از طرف دیگر توجه به فرهنگ بدون نقد اثرات آن امکان‌پذیر نیست. بسیاری قویاً معتقدند که مصنوعات و آثار فرهنگ را به عنوان یک فرهنگ تعریف کنند از این منظر، به طور مثال فیلم‌ها همچون دیگر آثار هنری اشکال جدیدی از آگاهی در مورد ورزش را به نمایش گذاشته‌اند. در نگاهی دیگر پیوند مباحث نژاد، قومیت، جنسیت و هویت با ورزش و ساخت بدن؛ رویکردهای گوناگونی را به بحث فرهنگ ورزش پدید آورده است. واقعیت این است که برخی از ورزش‌ها مثل هاکی، کریکت و اسکی با توجه به عوامل و شرایط تاریخی و فرهنگی و نه لزوماً طبیعی و قانونی عمدتاً سفید هستند. بر این مبنا اقلیت‌های قومی تنها گروه‌هایی نیستند

که از ورزش تأثیر پذیرفته‌اند. در طرف مقابل به طور تاریخی ورزش‌ها مخصوصاً با رقابت شدید و سخت دارای اعتبار مردانه بوده و در طی چالش‌های زندگی روزمره و انجام امور به صورت بی‌واسطه‌ای بیانگر قدرت، شجاعت و فراتر از همه برتری مردان بر زنان می‌باشند (کاشمر، ۲۰۰۰)

از منظر جامعه‌شناسانه فرهنگ ورزش یک‌خرده فرهنگ است که به تسامح فرهنگ ورزش خوانده می‌شود. این فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادت‌ها و ساخت‌های انسان اجتماعی مربوط به ورزش است. خرده‌فرهنگ‌ها با فرهنگ جامعه در تعامل‌اند. از این‌رو فرهنگ ورزش هم از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد (سازمان تربیت‌بدنی، ۱۳۸۴). لذا ورزش به عنوان یکی از مقولات مهم فرهنگی، از آن جهت که از مشترکات میان جوامع محسوب می‌شود؛ می‌تواند از یک طرف به عنوان ابزار پیوند دهنده فرهنگ محسوب شود و از دیگر سو چنان که در ورزش‌های سنتی ایران نیز مرسوم بوده است آیین جوانمردی، مروت، خداپرستی و اخلاق‌گرایی را تعمیق و انتشار دهد و سرانجام روحیه جمع‌گرایی، وحدت و انسجام فرهنگی را در کشور تقویت کند (مظاهری، ۱۳۸۵). همین نزدیکی ارتباط بین این دو مقوله، بحث از تأثیر یا تأثرات هر دو حوزه بر یکدیگر و فضای اجتماعی را برانگیخته و زمینه توجه جامعه شناسان و محققان را فراهم کرده است. بحث از ارتباط بین این دو مقوله در کشور ما که مقولات فرهنگی بر سایر موارد سایه انداخته است زمینه

چالش‌های فرهنگی ورزش در استان مازندران پرداخته شده است و مهمترین چالش‌های فرهنگی در این تحقیق به ترتیب کم رنگ شدن معنویت بین ورزشکاران، شادابی و سرخوشی مردم در کسب پیروزی به عنوان مهمترین چالش و فرصت فرهنگی ورزش استان مازندران تعیین شد. اما مفهوم فرهنگ ورزش و تعریف آن در این تحقیق نیز مشخص نشده است. عباسی بختیاری (۱۳۹۰) با بررسی اثرات متقابل ورزش و فرهنگ، نشان می‌دهد که اگر در جامعه ای زمینه برای ایجاد و توسعه روابط فرهنگی و ورزش به وجود نیاید، طبیعی است که رابطه ورزش با فرهنگ در سطح ثابتی باقی خواهد ماند و اگر ورزش با فرهنگ ملی یک جامعه در تعامل نباشد، صورت تجملی و تصنعی به خود خواهد گرفت و پدیده های ورزشی از ماهیت ارزشی خود خارج شده و به صورت ابزاری تبلیغاتی در جهات مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خواهد آمد. وی نیز تعریف خاصی از فرهنگ ورزش و مولفه های آن ارائه نمی‌کند. فتحی (۱۳۸۸) تأهل، جنسیت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت اشتغال، احساس سودمندی ورزشی، دسترسی آسان به امکانات ورزشی، حمایت اجتماعی علاقه به رشته های ورزشی و حضور یک قهرمان ورزشی در خانواده را به عنوان عوامل جامعه شناختی موثر بر فعالیت های ورزشی دانشجویان مورد بررسی قرار می‌دهد. کشر و همکاران (۱۳۹۵) تلاش کردند با توجه به نقیصه‌های موجود، ضمن تعریف فرهنگ ورزش، مولفه‌های آن را با تأکید بر مدل فرهنگ سازمانی ادگار شاین^۱ (۱۹۸۳)

طرح مباحث اخلاقی و فرهنگی در تمامی زمینه‌های ورزشی را موجب شده است. این امر شاید بدین دلیل باشد که در تمدن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، ورزش و تربیت‌بدنی علاوه بر ارتباط متقابل با فرهنگ اجتماعی با توجه به مدارک و شواهد تاریخی و نظری در متون؛ ادبیات ملی و دینی، یک پدیده فرهنگی و تربیتی تلقی می‌شود که از مهارت‌ها، رشته‌های ورزشی مختلف استفاده می‌کند (شیرزایی، ۱۳۹۲).

با ذکر این مقدمه و بیان اهمیت مقوله «فرهنگ ورزش»، این حوزه به عنوان یکی از مقولاتی است که اغلب در مطالب، تحقیقات و پژوهش‌ها، سیاست‌ها و کارشناسی‌های صورت گرفته مرتبط با حوزه فرهنگ در ورزش بدان پرداخته می‌شود؛ لیکن مروری بر تحقیق و تألیف‌های دیگر انجام گرفته در این حوزه در ایران، نشانگر این است که اغلب آن‌ها، مفهوم فرهنگ ورزش را به طور خاص دنبال نمی‌کنند؛ بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی حوزه ورزش را بررسی و تحلیل می‌کنند و تعریف دقیقی از فرهنگ ورزش و مولفه‌های آن صورت نگرفته است.

کاشف (۱۳۹۰) ضمن تأکید بر مولفه‌های گوناگون در ارتباط با فرهنگ پذیری ورزش به پنج عامل مهم به عنوان مولفه‌های موثر بر فرهنگ پذیری ورزش از دیدگاه اساتید، کارکنان و دانشجویان اشاره می‌کند. تأثیر ورزش بر انسجام روابط خانوادگی، تأثیر بر مسایل سیاسی و امنیتی، تأثیر بر توسعه رفتارهای خوب و تأثیر مجلات و روزنامه‌های ورزشی از نظر کاشف به عنوان مهمترین مولفه‌ها هستند ولی تعریف دقیقی از فرهنگ ورزش ارائه نمی‌دهد. در تحقیق احمدزاده و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی

1. Shein

چارچوب‌بندی و در قالب ارکان این مدل مؤلفه‌های فرهنگ ورزش در ایران به عنوان خرده فرهنگی تحت چتر فرهنگ ایران تعریف کنند. شاین؛ فرهنگ سازمانی را «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و پیش فرض‌های مشترک که نظام‌های اجتماعی، روابط گروهی و فرآیندهای ارتباطی را شکل داده و راهبری می‌کند» معنا می‌کند. در تئوری شاین، فرهنگ در سه سطح وجود دارد : ۱- مصنوعات بش‌ساز(در سطح ظاهری) ۲- ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری(درسطح میانی) ۳- باورها و پیش فرض‌ها(در هسته مدل). از نظر کشگر و همکاران؛ فرهنگ ورزش به معنای « فرهنگ ورزش یعنی مجموعه باورها و مفروضات انسانی مورد انتظار جامعه در ورزش و رفتار بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه شامل رفتار محترمانه با رعایت اخلاق و تکریم فرهنگ سایر ملل و اقوام و ایجاد عادت به ورزش از طریق مدیریت منابع برای خلق شرایط و امکانات ورزش کردن و نمایش نموده‌های ملموس زیبایی شناختی و هنرمندانه به عنوان مصنوعات ورزش در جامعه» است.

در بین محققان خارجی نیز توجه به مصادیق و حوزه‌های مرتبط با فرهنگ و ورزش؛ مثل ورزش و مذهب، ورزش و قدرت، ورزش و جنسیت منشأ کارهای تحقیقی بوده است و مفهوم فرهنگ ورزش کمتر مورد توجه بوده است. آلن واد^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی و جایگاه ورزش»، نشان می‌دهد که الگوهای مشارکت افراد در ورزش بر اساس طبقه، جنسیت، تحصیلات، نژاد، سن متفاوت

است و از این منظر عامل جنسیت به عنوان مهمترین منبع تفاوت مشارکت می‌باشد و علاوه بر آن شرایط تحصیلی در پیش‌بینی مشارکت در ورزش اهمیت خاصی دارد و طبقه شغلی نیز در انتخاب ورزش به عنوان تماشاگر یا انجام فعالیت ورزشی بیشترین تفاوت را ایجاد می‌کند. پارکر و واتسون^۲ (۲۰۱۳) با مطالعه ارتباط بین مسیحیت و ورزش در انگلستان قرون ۱۹ و ۲۰ تلاش کرده‌اند رابطه بین توسعه تاریخی و کلامی مسیحیت عضلانی و اینکه چگونه این رابطه بین ورزش و مذهب در قرن بیست و یکم در بریتانیا و شمال امریکا تأثیر داشته است را نشان دهند. از نظر آن‌ها بسیاری از ارزش‌های ورزشی موجود در بریتانیای حاضر، در زمینه‌هایی یافت می‌شود که با سلطنت ملکه ویکتوریا در انگلستان آغاز شده است. هارگریوز^۳ (۱۹۸۶) با تأثیر از اندیشه فوکو در اندیشه حکمرانی و هنر حکومت‌مندی، اولین تجزیه و تحلیل سیستماتیک از پیوندهای موجود بین ورزش و قدرت در بریتانیا را ارائه می‌کند. هارگریوز با تأکید بر مناسبات بین جسم و قدرت با بحث جسم طبیعی، به مفهوم ورزش در نابرابری‌ها از طریق جسم در آموزش و پرورش و فرهنگ مصرفی مدرن توجه خاصی می‌کند. از نظر او در خلال نیمه قرن ۱۹ در بریتانیا، ورزش با نظام‌های مدرسه عمومی جسم پیوند می‌خورد، که شامل سلامتی، رژیم غذایی، کار و استراحت و جنسیت بود.

بنابراین، مرور بر ادبیات تحقیق در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد؛ پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر بر روی آثار متقابل فرهنگ و ورزش بر یکدیگر در بین آحاد جامعه تمرکز می

2. Parker & Watson
3. Hargreaves

1. Wood & Roberts

کنند و کمتر به معنای «فرهنگ ورزش» به مثابه یک مفهوم توجه دارند. از آنجا که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان جوامع، شفافیت در مفاهیم و معانی واژه‌ها می‌تواند بر میزان اثربخشی برنامه‌های تدوین شده بیفزاید، لازم است برای «فرهنگ ورزش» تعریف مناسبی ارائه شود و به نظر می‌رسد برای تحقیق در مورد تأثیر و تأثر هر یک از دو حوزه «ورزش و فرهنگ» بر یکدیگر، بایستی به تعریف فرهنگ ورزش یا ورزش فرهنگی پرداخت و حدود و ثغور هر کدام را مشخص کرد. این امر بدان معناست که بکارگیری مدل‌های علمی شکل گرفته در بطن فرهنگ و تاریخ غرب به درستی نمی‌تواند ابعاد و زوایای این مقوله را روشن نماید و چه بسا باعث سایه انداختن ارزش‌های روشی و تعریفی آن مدل بر نتایج محقق شود.

به نظر می‌رسد برای رسیدن به تعریفی بومی از مفهوم «فرهنگ ورزش» متناسب با مولفه‌های فرهنگی ایران، نیازمند بررسی مفهوم «فرهنگ» به عنوان نقطه شروع و مبنای تحقیق، و تعیین حدود و ثغور آن در حوزه مورد تحقیق هستیم. چرا که؛ تعریف از فرهنگ و تکرر منابع تغذیه فرهنگی به هر اندازه که گسترش یابد، دامنه شمول حوزه‌های مرتبط با آن نیز بیشتر می‌گردد. بدین‌سان تعریف فرهنگ و شناسایی متغیرهای اساسی آن، دامنه و گستردگی سیاست‌ها و حیطة عمل مدیران را مشخص می‌نماید. دامنه تعاریف از فرهنگ به قدر زیاد است که الحاق تعریف دقیق از میان آن‌ها به مباحث علمی را سخت می‌سازد. منتهی تمامی تعاریف را می‌توان به نحوی در دو وجه زیبایی‌شناسانه و انسان‌شناسانه دسته‌بندی کرد (اشتریان، ۱۳۹۱).

تعریف زیبایی‌شناسانه؛ فرهنگ را توسعه هنر و فعالیت تفننی در مقولات زیبایی شناختی، محصولات و خدماتی می‌داند که اوقات فراغت را پر می‌کنند. و طبق تعریف انسان‌شناسانه، در گسترده‌ترین و بهترین نمونه از تعاریف، تایلور فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده شامل معارف دانسته و معتقد است فرهنگ در برگیرنده همه هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمامی عادات، رفتار و ضوابطی است که فرد بعنوان عضو جامعه از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد (روح الامینی، ۱۳۶۵).

با اندکی تسامح می‌توانیم تعریف قاسمی و کشگر (۱۳۹۴) از فرهنگ ورزش «شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادات و ساخته‌های انسان اجتماعی در مورد ورزش» را در جمله تعاریف انسان‌شناسانه قرار دهیم. این تعریف ورزش را پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که برای آن توسط انسان باورها و ارزش‌هایی ساخته شده است. اگر ارزش‌ها و باورهای مرتبط با ورزش به مثابه یک خرده فرهنگ ساخته‌ی انسان در نظر گرفته شوند، آنگاه فرهنگ نیز باید بر ساختی انسانی در نظر گرفته شود. در تعریف زیبایی‌شناسانه از فرهنگ ورزش نیز می‌توان به مقولاتی چون مسابقات ورزشی و رسانه‌ها، فیلم‌های ورزشی و سایر مصنوعات هنری اشاره کرد که اوقات فراغت و ارائه خدمات ورزشی به جامعه را مورد هدف قرار می‌دهند.

بنابراین تعریف فرهنگ و مصادیق آن (فرهنگ ورزشی، فرهنگ علمی، ...) و همچنین شناسایی متغیرها و مولفه‌های آن، تمرکز برنامه‌ریزی‌ها را به صورت شفاف و حتی الامکان عینی مشخص می‌سازد.

لذا این پژوهش با توجه به نقد مذکور که بر تحقیق کشگر و همکاران (۱۳۹۵) به عنوان اولین نمونه از تلاش‌ها در این زمینه در کشور ایران، تلاش می‌کند، الگوی فرهنگ ورزش در ایران را با بهره‌گیری از آرای متخصصین ارائه و در چارچوب تعریف انسان شناسانه از فرهنگ تدوین، و به تعریفی خاص از فرهنگ ورزش دست یابد.

روش‌شناسی پژوهش

مروری بر ادبیات تحقیق در حوزه فرهنگ ورزش و آثار مرتبط با آن در ایران نشان می‌دهد که الگوی خاصی برای تعریف فرهنگ ورزش وجود ندارد و هر آنچه موجود است صرفاً نظریات پراکنده از برخی اساتید و کارشناسان حوزه فرهنگ و ورزش در این ارتباط است. لذا این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک به عنوان روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی بدست آمده از مصاحبه‌ها و داده‌های متنی و نیز روشی برای طراحی الگوی مفهومی مناسب، تلاش کرده است تا الگویی مناسب برای تعریف فرهنگ ورزش در ایران طراحی کند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی، تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای است (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶).

در حقیقت تحلیل تماتیک سعی می‌کند از طریق کدگذاری داده‌ها و تحلیل آن‌ها مشخص کند که داده‌ها به ما چه می‌گویند. این تحلیل در پی الگویی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲) در تحلیل تماتیک، داده‌های متنی در آن بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی می‌شود و در نهایت بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر کدام از مقولات و طی فرآیندی سلسله‌مراتبی، تم‌های اصلی و در مرحله نهایی، تم مرکزی (تم نهایی) شناسایی می‌شود (پاک سرشت، ۱۳۹۱)

تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در بر می‌گیرد. روش کاربردی مناسب در این تحلیل مضمون تحلیل قالب مضامین؛ شبکه مضمون‌ها؛ تحلیل مقایسه‌ای است. به دلیل اینکه پژوهش از نوع بنیادی خواهد بود لذا جامعه آماری برای آن همچون پژوهش‌های کمی متصور نیست و روش نمونه‌گیری نیز نظری و یا تئوریک خواهد بود. به این منظور، منابعی انتخاب خواهند شد که بیشترین اطلاعات و داده برای پاسخ به سؤال تحقیق فراهم می‌کنند. مصاحبه با این نمونه‌ها، یا در اصطلاح کیفی دروازه‌بانان مطلعین، تا آنجا ادامه یافت که محققان به مرحله‌ی اشباع نظری دست یافتند. اشباع نظری معیاری است برای تعیین تعداد نمونه‌ها که بر اساس آن محقق تا جایی مصاحبه‌ها را ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده‌ی تحقیق اشباع شده یا داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده‌ها تولید نشود. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند می‌آید (محمدپور، ۱۳۹۰). بر همین اساس مصاحبه با ۱۰ نفر از متخصصان و اساتید حوزه سیاستگذاری فرهنگی در ورزش به صورت حضوری انجام گرفت و همچنین

1. Braun & Clarke

مصاحبه با ۵ نفر از کارشناسان فرهنگی فدراسیون‌ها نیز بصورت حضوری و پیام‌های تلگرامی انجام که سوالات مصاحبه برای آنان فرستاده و پاسخ‌های مصاحبه شوندگان دریافت شد.

برای طبقه‌بندی داده‌های مصاحبه، ابتدا از هر مصاحبه عبارات، توضیحات، جملات و اشاراتی که به نوعی حکایت از ارتباط با موضوع مورد پژوهش به لحاظ معنایی دارد استخراج گردید، و سپس بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شدند. در نهایت بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر کدام از مقولات، تم‌های مرتبط، تم‌های اصلی و در نهایت تم‌های مرکزی شناسایی شدند. ترسیم شبکه مضامین مرتبط با چیستی فرهنگ ورزش و ارائه الگویی مناسب از تعریف فرهنگ ورزش در ایران، بخش مهمی از فعالیت‌های این پژوهش بوده است. روش اعتبارسنجی این پژوهش نیز «روایی تفسیری» بوده است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب نظران تأیید نهایی آن اعمال گردید. این روش عبارت است از بررسی صحت یافته‌های پژوهش توسط مصاحبه شوندگان به منظور تعیین این‌که آیا این پژوهش به شکل صحیح دیدگاه‌های آنان را درباره موضوع پژوهش تحت پوشش قرار می‌دهد یا نه؟ برای سنجش روایی و پایایی تحقیق حاضر علاوه بر اینکه مضمون‌های فراگیر اصلی و فرعی با الگوهای مفهومی بدست آمده از پیشینه و چارچوب مفهومی تحقیق مطابقت داده شده است؛ نظریات و دیدگاه‌های گروهی از نخبگان پس از ملاحظه الگوی نهایی طراحی شده، نیز در این خصوص لحاظ گردیده است.

یافته‌های پژوهش

مضامین مرتبط با چیستی فرهنگ ورزش نشان می‌دهد که فرهنگ ورزشی با ارزش‌ها و باورهای ورزشی که بر فرهنگ افراد تأثیر می‌گذارد، ارتباط دارند. در این قالب ویژگی‌های جمع‌گرایی، روحیه انسجام در ورزش‌های گروهی، روحیه اخلاق‌مداری، جوانمردی و تواضع در ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای، روحیه جنگجویی و مهارت در ورزش‌های رزمی، از جمله باورها و هنجارهای مرتبط با ورزش هستند که بر فرهنگ افراد تأثیر گذاشته و رفتار آن‌ها را جهت می‌دهد. از طرف دیگر، ارزش‌هایی چون احترام به بزرگتر، توجه به سجایای اخلاقی و مذهبی، دستگیری از محرومان و ضعیفان، رعایت حجاب از جمله ارزش‌های فرهنگی بومی هستند که بر رفتار ورزشی موثر بوده و ورزشکاران مسلمان و ایرانی در رقابت‌های ملی و بین‌المللی جلوه‌های مختلفی از آن را به نمایش گذاشته‌اند. این مقوله را با اندکی تسامح می‌توان ورزش فرهنگی بیان نمود. (جدول شماره ۱).

جدول ۱. مضامین چپستی فرهنگی ورزش

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون اصلی
فرهنگ ورزشی و ورزش فرهنگی	ارزش‌های عام اخلاقی	احترام به بزرگترها و پیشکسوتان - رعایت اصول ایثار و فداکاری و جوانمردی - رعایت اصل صداقت و درستکاری.
	ارزش‌های ذاتی ورزش	افزایش توانایی جسمی و نیرومندی - افزایش جنگجویی و مهارت (خاص رشته‌های رزمی، کشتی، ...) - افزایش روحیه انسجام، همکاری، مشارکت و جمع‌گرایی (رشته‌های تیمی مثل فوتبال، والیبال و ...).
	ارزش‌های جسمی و مادی ورزش	عامل حفظ بدن و تناسب اندام - کاهش هزینه‌های درمان و بهبود آسیب‌های جسمی - مانعی برای چاقی مفرط.
	ناهنجاری‌های فرهنگی	توهین و فحاشی تماشاچیان و بازیکنان - خشونت و دعوای ورزشی - دلالی، رشوه و بی‌صداقتی - رواج پول‌پرستی و کاهش معنویات در ورزش - ترویج لهو و لعب، قمار، خالکوبی و تغییرات بدن در الگوهای ورزشی.
	ارزش‌های ملی و تاریخی	میهن دوستی ورزشکاران (احترام به پرچم، عدم قبول تابعیت دیگر کشورها، ...) - اثر ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی بر ورزش‌ها - رشد فرهنگ علاقه به کشتی و رشته‌های رزمی در سرزمین ایران - موثر بر شکل‌گیری فرهنگ عیاری و پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای.
	ارزش‌های مذهبی	رعایت اصول مذهبی در ورزش - توجه به روحیه ایمان - انجام واجبات دینی و شرکت در مراسم مذهبی - رعایت عفاف و حجاب برای بانوان.
ارزش‌های زندگی مدرن	مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی - رعایت اصل نظم و انضباط و وقت شناسی - اعتقاد به اصل برنامه‌ریزی - سالم سازی اوقات فراغت و حفظ بدن - روحیه همکاری، مشارکت و کار گروهی	

مذهبی خاصی است. در فرهنگ ایرانی بر آیین‌های جوانمردی و راستی و درستی تأکید شده است.

در ارتباط با مضمون ارزش‌های ذاتی ورزش، کدهای افزایش توانایی جسمی و نیرومندی، افزایش جنگجویی و مهارت (خاص رشته‌های رزمی، کشتی، ...) و رعایت اصل صداقت و افزایش روحیه انسجام، همکاری، مشارکت و جمع‌گرایی (رشته‌های تیمی مثل فوتبال، ...) بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است.

در ارتباط با مضمون ارزش‌های عام اخلاقی، کدهای احترام به بزرگترها و پیشکسوتان، رعایت اصول ایثار و فداکاری و جوانمردی و رعایت اصل صداقت و درستکاری در بین ورزشکاران بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است. بحث فرهنگ ورزش یک نگاه تاریخی دارد که بخشی از آن ناشی از منشأ تاریخی برخی از ورزش‌ها مثل کشتی و پهلوانی و زورخانه‌ای در ایران است و بخشی دیگر بخاطر تعلق فرهنگی ما ایرانیان به ارزش‌های اخلاقی و دینی و

است و به نوعی فرهنگ آن کشورهاست. در ارتباط با مضمون ارزش های دینی و مذهبی، کدهای رعایت اصول مذهبی در ورزش، توجه به روحیه ایمان، انجام واجبات دینی و شرکت در مراسمات مذهبی و رعایت عفاف و حجاب برای بانوان بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است. *نگاه مذهبی به ورزش اغلب به حضور زنان در ورزش تحت تأثیر مسائل حجاب و عفاف و امرجنسیتی نگاهی منفی دارد و این حضور را باعث بی اخلاقی و گسترش فساد می بیند.

در ارتباط با مضمون ارزش های زندگی مدرن، کدهای مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی، رعایت اصل نظم و انضباط و وقت شناسی، اعتقاد به اصل برنامه ریزی در امور، سالم سازی اوقات فراغت و حفظ بدن، روحیه همکاری، مشارکت و کار گروهی و رعایت حقوق دیگران بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است. بنظرم کارکردهای اجتماعی ورزش می تواند روحیه مشارکت، کار تیمی و مسئولیت پذیری را به جوانان ما یاد دهد و آن ها را برای انجام فعالیت و همکاری های گروهی آماده کند. در ارتباط با مضمون ناهنجاری های فرهنگی ورزش، کدهای توهین و فحاشی تماشاچیان و بازیکنان، خشونت و دعوای ورزشی، دلالی، پارتی بازی، رشوه و بی صداقتی، رواج پول پرستی و کاهش معنویات در ورزش، پول پرستی و کاهش معنویات بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داده است. امروزه تغییری در فرهنگ سازمانی ورزش مثل دروغ، ریا، پارتی بازی و نظام شایسته سالاری نداشته ایم و بر اساس نزدیک بودن به منابع قدرت جای شایسته سالاری را گرفتیم.

رشته های ورزشی تیمی بر روحیات مشارکتی، همکاری گروهی و انسجام افراد و گروه ها تأثیر دارد و از طرف دیگر تأثیری که بر رفتار فرد مثل افزایش امید به زندگی، شادی و نشاط، حفظ بدن و جلوگیری از آسیب های اجتماعی، جلوگیری از چاقی و یا تأثیری که بر مسئولیت پذیری فرد دارد بخشی از نتایج فردی ورزش است.

در ارتباط با مضمون ارزش های مادی و جسمی ورزش، کدهای حفظ بدن و تناسب اندام، کاهش هزینه های درمان و بهبود آسیب های جسمی و ممانعت از چاقی مفرط بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است. در ورزش امروزین چون فعالیت های بدنی کم شده است ورزش به صورت علم و دانش در آمده و در قالب تناسب اندام ظاهر و مدرن شده است و نقش اوقات فراغتی دارد و کارکردهای متفاوتی پیدا کرده است.

در ارتباط با مضمون ارزش های ملی و تاریخی، کدهای میهن دوستی ورزشکاران (احترام به پرچم، عدم قبول تابعیت دیگر کشورها...)، اثر ویژگی های سرزمینی و جغرافیایی بر ورزش ها، رشد فرهنگ علاقه به کشتی و رشته های رزمی در سرزمین ایران و شکل گیری فرهنگ عیاری و پهلوانی و ورزش زورخانه ای بیشترین تأکیدات را به خود اختصاص داد است. ورزش در قدیم بیشتر ناشی از نیازهای روزمره مردم به تحرک و نیرومندی بوده و اساساً رشد ورزش ها تاحدودی با ویژگی های طبیعی، فرهنگی و تاریخی هر ملتی عجین است مثلاً شما نگاه کنید به ورزش دو و میدانی در کشورهای آفریقایی، رشد فوتبال در سرزمین آمریکای لاتین، رشد کشتی در ایران؛ همه این ها به نحوی در خون مردمانشان

الگوی تحلیل تماتیک فرهنگ ورزش ایران را می توان به شکل ذیل ترسیم کرد. شکل شماره (۱).



شکل ۱. الگوی تحلیل تماتیک فرهنگ ورزش در ایران

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از ترسیم شبکه مضامین چيستی فرهنگ ورزش در این تحقیق و همچنین انطباق آن ها با مفاهیم مورد بحث در تعریف انسان شناسانه از فرهنگ، نشانگر این است که فرهنگ ورزشی با ارزش ها و باورهای ورزشی و ویژگی هایی چون جمع گرایی، روحیه انسجام در ورزش، روحیه اخلاق مداری، جوانمردی و تواضع در ورزش، روحیه جنگجویی و مهارت در ورزش های رزمی، بر فرهنگ افراد تأثیر گذاشته و بر رفتار آن ها جهت می دهند. از طرف دیگر،

ارزش هایی چون احترام به بزرگتر، توجه به سجایای اخلاقی و مذهبی، دستگیری از محرومان و ضعيفان، رعایت حجاب از جمله ارزش های فرهنگی هستند که بر ورزش و رفتار ورزشی موثر هستند. این امر بدین معناست که؛ فرهنگ ورزشی و ورزش فرهنگی در معنا و مفهوم، مصداق هایی دارند که نمی توان تقدم و تأخری برای هر کدام از آن ها قائل شد و یا این که تمامی مضامین حاصل از پژوهش را در قالب فرهنگ ورزشی خلاصه کرد. بنابراین با عنایت به یافته های تحقیق و شبکه مضامین ترسیم شده،

ورزشکاران کشور ما در زمره اهل شریعتند یا لاقلاً علایق دینی دارند (داوری اردکانی، ۱۳۹۱ و پارکر و واتسون^۱، ۲۰۱۳). همچنین تأکید تعریف فرهنگ ورزش بر ارزشهای دینی، به نوعی با محورهای فرهنگی مورد تأیید دورکیم (۱۹۱۲) و وبر (۱۹۵۸) و آرنولد (۱۹۵۸) همسو است زیرا آنها معتقد بودند که باورهای دینی با ساختارهای اجتماعی پیوندی نزدیک دارند و در باورهای جامعه شناختی آنها، دین به عنوان محوری مهم در شناخت فرهنگ جوامع تلقی می‌شود.

توجه به ناهنجاری‌های فرهنگی ورزش به عنوان بخشی دیگر از مضامین سازمان دهنده الگوی مطرح شده در این مقاله است که نتایج سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد که استفاده از شعارهای نامناسب و رواج فحاشی در بین تماشاگران و ورزشکاران به عنوان مهمترین چالش فرهنگی ورزش در ورزش کشور، جزئی از فضای کلی جامعه است و نمی‌توان انتظار داشت وقتی این مسائل در سطح جامعه از دانشگاه تا خیابان رواج دارد؛ در محیط ورزش شایع نباشد. همچنین گسترش رشوه و تبانی، دوپینگ، خشونت و خالکوبی و کاهش معنویات نیز متأثر از فضای جامعه است و فضای فرهنگی ورزش نیز متأثر از این قضیه است (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۳ و یادا و سینگ^۲، ۲۰۱۱). چنان‌که طبق نظریه پردازان جامعه شناسی تضاد؛ برخورد ابزارگرایانه با ورزشکاران، از بین رفتن روحیه سالم زیستی و جایگزینی طمع دستیابی به رکوردهای بالاتر به هر قیمت، کسب مدال بیشتر، تبلیغات گسترده، رواج دوپینگ،

فرهنگ ورزشی در این مقاله به معنای «مجموعه ای از ارزش‌ها، هنجارها، باورها، آداب و سنن فرهنگی و تاریخی موثر بر رفتار ورزشی افراد و همچنین ارزش‌های خاص منبعث از رشته‌های ورزشی (جنگجویی رشته‌های رزمی، تواضع و جوانمردی ورزش پهلوانی ...)) موثر بر فرهنگ افراد در محیط ورزش و جامعه» است.

نکته مهم در این پژوهش، توجه به نقش و پیوند دو مقوله تربیت روحی و پرورش جسمی در فرهنگ مذهبی، ملی و تاریخی ایرانیان است به نحوی که؛ پیوند سلامتی جسمی و روحی در فرهنگ ایران باستان و فرهنگ اسلامی، زمینه را برای توجه به سلامتی روح (توجه به زمینه‌های مذهبی و دین) و سلامتی جسمی (نیرومندی و ورزش) فراهم می‌کرده است که این پیوند به بهترین وجه در اخلاق پهلوانان و عیاران نمود می‌یافته است (عباسی بختیاری، ۱۳۹۰، ۷). از طرف دیگر؛ در کشور ایران به عنوان یک کشوری فرهنگی و با تاریخی غنی، مسأله مذهب و دین بر تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی به خصوص ورزش سایه انداخته است و هنگام صحبت در مورد فرهنگ ورزش، توجه به ارزش‌های مذهبی در میادین ورزشی و در بین ورزشکاران در اذهان متصور می‌شود. اهمیت نقش تعلیمات و ارزش‌های مذهبی بر فرهنگ ورزشی تا آن جاست که، برخی از مکاتب جامعه شناسی، ورزش را به مثابه نهادی شبه مذهبی تلقی می‌کنند که ارزش‌های مشترک جامعه را تقویت می‌کند. بلحاظ تاریخی نیز، ورزش در گذشته فرهنگی ایران، با اخلاق و عرفان همراه بوده، چنان‌که ورزشکاران اسوه خود را حضرت علی (ع) می‌دانستند و پهلوانان غالباً در زمره جوانمردان بودند و امروزه نیز بسیاری از

1. Parker & Watson
2. Yadav & Singh

سنی و نژادی می شود. (گریندورفر و یاناکیس، ۱۹۸۲)

الگوی ترسیم شده در این تحقیق نشان می دهد فرهنگ ورزش در معنای اسنان شناسانه و در قالب تعریف گسترده از فرهنگ و مولفه های آن، نیازمند نگاه گسترده برنامه ریزان فرهنگی و مسئولان ورزش کشوری به تمامی ابعاد مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ویژگی های خاص ورزش در ارتباط با بحث الگوسازی فرهنگ ورزش است. این مقاله با هدف تعریف مفهوم فرهنگ ورزش و ارائه الگویی بومی از مولفه های آن، تلاش کرد تا با بهره گیری از نظریات متخصصان، الگویی متناسب با ویژگی های فرهنگی بومی ایران ترسیم کند و می طلبد که سایر پژوهشگران با تحقیق و پژوهش حول مضامین واسط این الگو، به بهبود کمی و کیفی مطالب و منابع تحقیقی پیرامون بحث ورزش و مسئولیت های اجتماعی، ورزش و محیط زیست، ورزش و اوقات فراغت، ورزش و کاهش آسیب های جسمی و روانی، ورزش و سیاست و ...، به عنوان بخشی از موضوعات پژوهشی در این حوزه کمک نمایند.

منابع

- Abbasi Bakhtiari. R. (2011). Investigating the interplay of culture and sport. National conference on cultural industries and its role in sustainable development. Kermanshah: Islamic azad university Kermanshah. [Persian]
- Ahmadzadeh. A., Mousavi. S. j., Doosti. M. (2014). Identifying cultural challenges and opportunities of sports in

حاکمیت نخبه گرایی، گلچین کردن استعدادهای فیزیکی جهت ترویج و گسترش روحیه ملی گرایی از جمله مهمترین موضوعات مهم است. (گریندورفر و یاناکیس، ۱۹۸۲)

همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی، رعایت اصل نظم و انضباط و وقت شناسی، اعتقاد به اصل برنامه ریزی در امور، سالم سازی اوقات فراغت و حفظ بدن، روحیه همکاری، مشارکت و کار گروهی و رعایت حقوق دیگران به عنوان مجموعه ای از ارزش های زندگی مدرن در نتیجه گسترش فرهنگ ورزش تقویت خواهند شد. نتایج تحقیق نیکسون و فرای^۱ (۱۹۹۶) و فرج زاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان می دهد حاصل فرهنگ پذیری ورزش از طریق یادگیری و شکل گیری باورها، نگرشها، بهبود مهارتها و تقویت ارتباطات اجتماعی انجام می پذیرد؛ این آموخته ها به زمینه های دیگر زندگی افراد ورزشکار قابل انتقال است و موجب می شود که در زمینه های دیگر حیات خود نیز در فعالیت های گروهی و جمعی به صورت موفقیت آمیزی عمل کنند. از نظر کارکردگرایان نیز ورزش در سطح کلان باعث ایجاد احساس وحدت و یکپارچگی در بین افراد جامعه، کسب مهارت های اجتماعی، دسترسی به فرصت های تحصیلی، حرفه ای و ...، شکل گیری هویت فردی و اجتماعی، کنترل اجتماعی، رهایی از تنش ها، تندرستی جسمانی، کاهش تضادها و تنش ها، ترویج وفاداری ملی، جامعه پذیری و همنوایی، اتحاد افراد در زمینه های اجتماعی، تقویت نقش های جنسی و

1. Nixon & Fray

- Mohammadpour. A. (2009). Qualitative data analysis: Procedures and models. *Journal of anthropology*, 1, 127-160. [Persian]
- Mohammadpour. A. (2012). Qualitative research method: Anti-method 2. Tehran: Sociological. [Persian]
- Nixon. I., James. H. F. (1996). A sociology of sport USA. Wadsworth.
- organization, P. e. (2005). Studies of the development of sport culture. tehran: Sib. [Persian]
- Parker, A. Watson. N. J. (2013). Sport and Religion: Culture, History and Ideology. 86, 71-79.
- Roohalamini. M. (1986 & 1993). Cultural field . Tehran: Attar. [Persian]
- sciences. M. M. (2006). Cultural and sport. First international congress of new approaches to physical education and sport. Tehran: Islami Tehranc azad university of.
- Shein. E. (1983). The Role of Founder in Creating Organizational Culture, *Organizational Dynamics* (Vol. 12).
- Shirzayi. P. (2007). The place of culture and sport. *Journal of khorasan cultural and social studies*, 8 & 2, 87-98. [Persian]
- Wood. D. (2006). The effect of age and role information on expectations for Big Five personality traits. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32.
- Yadav. R. (2011). *International Journal of Physical Education*, 4, 88-89.
- Mazandaran province. Contemporary research in sport management, 15-29. [Persian]
- Ashtarian. K. (2012). Introduction to cultural policy making. Tehran: sociologists. [Persian]
- Braun, V., Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology* (Vol. 3).
- Cashmore, E. (2000). *Sports Culture*. London and New York: Routledge.
- Davari. R. D. (2012). Philosophy of sport. *Jornal of wisdom and knowledge information*, 7. [Persian]
- Farajzadeh. SH., Kashef. S., Aghapoor. S.M. (2015). Identifying and analyzing factors influencing the cultivation of contemporary research from the viewpoint of urmia university graduate students. *contemporary research in sport management*, 11-22. [Persian]
- Hargreaves, J. (1986). Sport, power, and culture: a social and historical analysis of popular sports in Britain. New York: Martin's Press Harvard.
- Kashef. S. M. (2011). Factors affecting the acculturation of sport from the viewpoints of professors, staff and students of Urmia university. Urmia university research project. Urmia: Urmia university. [Persian]
- Keshkar1. S., Ghasemi. H. (2016). Definition of sports culture and its components regarding to experts, athletes and sport authorities opinions in Iran. *Journal of organizational behavior management studies in sport*, 3, 11-22. [Persian]



Thematic Analysis of the Culture of Sport in Iran

Gheshmi M A.^{1*}, Pourkiani M.², Rahmati M M.³

Received: Oct 20, 2018

Accepted: July 16, 2018

Abstract

Objective: The purpose of this article is to define the culture of sport and presenting an indigenous model of the components of its, according to the anthropological definition of culture, using the theories of experts.

Methodology: This article is in the framework of the qualitative research strategy and interviews with 10 physical and cultural education managers and 5 cultural experts of the federations in a targeted sampling First, on the basis of common funds, the themes, related themes, the main themes and the themes of each of the categories of the topic of research are identified, finally, draws and analyzes the network of themes related to the nature of sport culture "What is sport culture?".

Results: The results of the network designing are indicative of the culture of sport; there is a difference between the two themes of cultural sport and cultural sport, and these two themes are broader around the themes of organizing universal moral values, the intrinsic values of exercise, physical and physical values of exercise, national and historical values, Religious values, values of modern life and cultural anomalies of sport, define the culture of sport in Iran.

Conclusion: According to research findings, culture of culture means "a set of values, norms, beliefs, customs and cultural and historical traditions affecting sporting behavior, as well as specific values derived from sports (martial arts, martial arts, and ...) influences the culture of people in the sports and community environment".

Keywords: Sport's Culture, Thematic Analysis, Cultural Sport's

1. Ph.D. Student of Cultural Policy Research, Institute for Cultural and Social Studies, 2. Assistant Professor of Faculty of Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University, 3. Associate Professor Department of Social Sciences, University of Guilan

* Corresponding author's e-mail address: gheshmi.1987@gmail.com